

انتخابات کمیک یا تراژیک؟

سهراب صبح

انتخابات در رژیم اسلامی ایران، اگرچه با ساختار انتخابات در دموکراسی-های لیبرالی غرب و حتا دیکتاتوری-های بورژوازی آسیا و آفریقا متفاوت است و همه-ی ابعاد آن بیش از آن-که به یک انتخابات دوران مدرن مانسته باشد، به سیرکی با شرکت جانوران دست-آموز و البته چهره-های تکراری رژیم شبیه است، اما با این حال بعضی وجوه تبلیغاتی یا شکلی و صوری (فرمال) آن تا حدودی با انتخابات نظام-های بورژوازی پیشرفته، مشترک است.

ما پیش از این طی دو مقاله-ی مبسوط "لویی جرگه-ی اصلاح-طلبان" و "صف-بندی-های جدید انتخاباتی در اردوگاه راست" (*Roshangari.net*) به ارزیابی ابعادی از انتخابات در رژیم سرمایه-داری اسلامی پرداخته-ایم و آن-چه فی-الجمله می-خواهیم بگوئیم و براهمیت آن تاکید می-کنیم وضع ویژه-یی است که در آستانه-ی برگزاری دهمین دوره-ی انتخابات ریاست جمهوری بر فضای سیاسی ایران حاکم شده است. چنین شکلی که در دو انتخابات اخیر ایالات متحده-ی آمریکا نیز به وضوح مشاهده شد، اجمالا از این قرار است که یک جناح - و به طور مشخص طیف لیبرال - مردم را به سابقه-ی ماجراجویانه، جنگ افروزانه، خشونت طلبانه و بحران-زای جناح رقیب (نئوکان) ارجاع می-دهد و از جامعه-ی می-خواهد دست-کم از بخش تحریمی جامعه-ی می-خواهد - که برای حذف نئوکان-ها در

انتخابات مشارکت کنند و به لیبرال-ها رای بدهند. گاهی اوقات این کمپین تبلیغاتی شکل بسیار وسیع، گسترده و سرسام-آوری به خود می-گیرد. چنان-که حتا بعضی منتقدان و ای-بسا مخالفان رادیکال سرمایه-داری را نیز تحت تاثیر قرار می-دهد. نمونه را در دوره-ی انتخاباتی که رقابت میان جورج بوش و جان-کری در آمریکا جریان داشت خیل منتقدان سیاست-های یک جانبه-گرایی نئوکان-ها و مخالفان برنامه-های نئولیبرالی (حذف حمایت اقتصادی دولت از مردم، خصوصی-سازی، مقررات-زدایی و غیره)، به طور گسترده-یی شعار هر کسی به غیر از بوش (*eny body but bush*) سر دادند. در آخرین انتخابات آمریکا نیز ژورنالیست-های حرفه-یی اردوگاه باراک اوباما دقیقاً انگشت خود را به سوی احساسات جریحه-دار شده-ی مردم آمریکا - که از جنگ در عراق و افغانستان و بحران فزاینده-ی اقتصادی ناراضی بودند - نشانه رفتند و از مردم خواستند برای تغییر (*change*) اوضاع به باراک اوباما رای دهند. واضح است که نتیجه-ی چنین کمپین هوشمندانه-یی، می-توانست موفقیت-آمیز باشد. چنان که دیدیم چنین نیز شد. ضعف-های فراوان نئوکان-ها که به صور مختلف از جمله گزینش سارا پیلین (که در برابر جوزف بایدن نه فقط سبک وزن بود بل-که زنی غیر سیاسی، خرافی و البته خوش-تیپ با عینکی مشهور بود!!) بیرون زده بود در کنار افتضاح سیاست-های میلیتاریستی جورج دبلیو بوش به قدری روشن بود که بر خلاف دو انتخابات ۵۰-۵۰ پیشین (بوش - ال-گور / بوش - کری) این بار اوباما با اختلاف قابل توجه و اقبال عمومی مردم آمریکا بر مک-کین فایق آمد. طرف-داران اوباما که او را در نقش فرانکلین روزولت و برنامه-هایش را رونوشت طرح اقتصادی جان مینارد کینز و



کارگران زندانی آزاد باید گردند!



New Deal جا زده بودند، از میهمانان جدید کاخ سفید چهره-هایی در حد منجیان بزرگ تراشیدند که قادر بودند در مدتی کوتاه بحران اقتصادی مشابه رکود بزرگ (*Great depression*) سال ۱۹۲۹ را حل کنند.

(درافزوده: در ایران نیز قرار است موسوی در نقش اوپاما و زهرا رهنورد در چهره-ی میشل اوپاما ظهور کنند!!) کمپین اوپاما تا آن-جا موثر بود که حتا منتقد باتجربه و هوش-مندی همچون نوام چامسکی را نیز تحت تاثیر قرار داد. چامسکی که در مواقعی مانند، "اکثریتی"-ها، "جمهوری-خواهان" و "چپ رفرمیست" ایران موضع سیاسی می-گیرد، طی اظهار نظری مدعی شد که "میان بد و بدتر، به بد رای می-دهد.!!" به نظر او "بد" یا "شر-کم-تر" در گزینه-ی باراک اوپاما خلاصه شده بود. اگرچه چامسکی - گویا - از آن موضع-گیری نازل عدول کرده و برای حفظ موقعیت خود به صف منتقدان جدی باراک اوپاما پیوسته است، اما نکته-ی مهم و آموزنده در چنان فرایندی شکل-گیری وضع مشابهی در انتخابات دهم ایران است. وضعی که در انتخابات پیشین (نهم) نیز صورت بست و هر چند لیبرال-ها در نهایت از پس دخالت سازمان-های نظامی و شبه نظامی برنیامدند اما موفق شدند

بخشی از اپوزیسیون و شبه اپوزیسیون لیبرال و سوسیال دموکرات (راست) را با شعار "هر کس به جز احمدی-نژاد" زیر پرچم هاشمی-رفسنجانی گرد کنند. (منظورم دور دوم انتخابات است). در حال حاضر و در آستانه-ی انتخابات دهم نیز بار دیگر لیبرال-ها (اصلاح-طلبان) با همان شعار قدیمی، کهنه و منسوخ وارد میدان شده-اند و با برشمردن گندکاری-ها، خشونت-طلبی، انسان ستیزی، هدر دادن ۳۰۰ میلیارد دلار نفتی، فساد اقتصادی و اخلاقی؛ تورم، انحلال سازمان-های ۱۸ گانه-ی تصمیم-گیری، رفتار غیر معقولانه- و به طور کلی عمل-کرد فاجعه-آمیز احمدی-نژاد، این گزینه-ی ظاهراً عقلانی را فرا روی مردم قرار داده-اند که "به نظر شما موسوی اصلاح طلب از احمدی-نژاد اصول-گرا بهتر نیست؟" و یا "احمدی-نژاد نئوکان از موسوی (یا کروی) لیبرال بدتر نیست؟" اگر چنین است که در واقع هر عقل سالمی حکم می-کند که ظاهراً چنین است، پس در "انتخابات شرکت کنید، با تمام قوا هم شرکت کنید، تا احمدی-نژاد رای نیاورد." چرا که بر اساس یک تخمین متعارف آرای سنتی احمدی-نژاد به اضافه-ی دوپینگی که قرار است با دخالت نظامیان (سپاه، بسیج، لباس شخصی-ها، نیروی انتظامی) انجام شود، در صورتی قادر به کسب

اکثریت است که مردم در انتخابات شرکت نکنند و سقف آرای اصلاح-طلبان برتری محسوسی (برخلاف دوم خرداد ۷۶) بر آرای اصول-گرایان نداشته باشد. در واقع زمانی هم که رفسنجانی در مقام پدرخوانده-ی لیبرالیسم ایرانی از منبر نماز جمعه-ی تهران به صراحت اخطار می-کند "حضور کم-تر از ۴۰ میلیونی یک شکست است" به همین موضوع چشم دوخته است. عدم مشارکت مردم از یک طرف مشروعیت داخلی و بین-المللی رژیم را به چالش می-کشد و از طرف دیگر زمینه-ی قدرت-گیری مجدد نئوکان-ها را مساعد می-کند. بدین ترتیب لیبرالیسم وطنی با استفاده-ی به هنگام از سابقه-ی وحشت-ناک احمدی-نژاد - که ادبیات و چهره- و قیافه-ی منحوس-اش نیز بر عمق آن افزوده - موسوی و کروی را با لیخنند و وعده-های پوچ به میدان فرستاده است.

تا آن جا که در این فرصت کوتاه می-توان گفت قدر مسلم این است که:

نه دعوا و نه نتیجه-ی این انتخابات هیچ سودی برای طبقه-ی کارگر و زحمت-کشان و به طور کلی فرودستان ندارد. مشارکت در چنین دعوایی مانند از دست دادن یک چشم (شر) یا هر دو چشم (شر بیشتر) و یا گزینش میان نیش عقرب (بد) یا نیش مار کبرا (بدتر)، در هر دو صورت زیان بار است. اصلاح طلبان به



Postfach 940166
60459 Frankfurt
Germany

bepish@hotmail.fr

به پیش!

به پیش! زیر نظر شورای نویسندگان و ویراستاران منتشر میشود. مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. نظرات جمعی شورا در سرمقاله یا مقالاتی با امضای به پیش! منعکس میگردد. شورا در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش هر نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند.



مردم نمی-گویند اگر کسی میان چاله و چاه هیچ کدام را انتخاب نکند، چه باید بکند؟ در شرایطی که برای حرکت رو به پیش جامعه به غیر از چاه و چاله گزینه-های دیگری مانند جاده-ی آسفالت اتوبان، خاکی، شوسه و غیره نیز ممکن و موجود است. اصلاح-طلبان فقط گزینه-های واقعی جامعه را محدود نمی-کنند. آنان به مرگ گرفته-اند تا مردم به تب رضایت دهند.

هر دو جناح با ترندهای مختلف؛ اجرای برنامه-های صندوق-بین-المللی و بانک جهانی را در دستور کار خود قرار داده-اند و اگر اختلافی وجود دارد، در نحوه-ی اجرای این سیاست-هاست. برنامه-ی تعدیل اقتصادی که از زمان رفسنجانی شروع شده و در زمان خاتمی ادامه یافته (خصوصی-سازی و آزاد کردن قیمت-ها؛ بازار آزاد) در دوره-ی احمدی-نژاد با کمی تغییر چهره به خودی-سازی و تقسیم ثروت میان الیگارشی نظامیان انجامیده است و در نتیجه-ی چنین چپاولی فقر مطلق به شیوه-ی جنایت یا نسل-کشی عارض مردم شده است.

اصلاح-طلبان برخلاف دوم خرداد و هشت سال حاکمیت خاتمی دیگر از توسعه-ی سیاسی و دموکراتیزاسیون سخن نمی-گویند. بحران اقتصادی در جهان و ایران استراتژی این جماعت را به سوی اصلاحات اقتصادی تغییر جهت داده است و به همین سبب نیز شعارهای دماغورژیک حمایت از "مستضعفان" در دستور کار کسانی قرار گرفته است که در سال-های حاکمیت-خود بیشترین فاصله-ی طبقاتی تاریخ ایران را ایجاد کرده-اند. در شرایط بحران اقتصادی چندان عجیب نیست که همه - از جمله

میلیاردرهای حزب کارگزاران و مشارکت - ناگهان طرف-دار " کارگر " و " فقیر " شوند و از دخالت دولت به نفع حل مشکلات اقتصادی مردم سخن بگویند. چنین آشی- آن قدر شور شده است که حتا محسن رضایی نیز دلیل کاندیداتوری خود را " جلوگیری از سقوط اقتصادی " خوانده است.

به همین سبب نیز لیبرال-ها شعار توسعه-ی سیاسی و دموکراتیزاسیون و سکولاریزاسیون سال-های ۷۶ الی ۸۴ خود را تا حد جمع-آوری گشت-های ارشاد تقلیل و تخفیف داده-اند و تمام توجه-شان را معطوف به انتقاد از غارت اقتصادی نئوکان-ها کرده-اند. در مقابل احمدی-نژاد نیز علاوه بر تشدید توزیع تراول-های پنجاه و صدهزار تومانی، از نیمه-ی اردی-بهشت، کیسه-ی خزانه-ی خالی خود را بیشتر شل کرده و تحت عنوان سود سهام عدالت به هر روستایی ۸۰ هزار تومان اعطا فرموده است. چنین بلشویبی در ذات نظام-های سرمایه-داری نهفته است و در مواقع مختلف و به ویژه هنگام بحران بیرون می-زند.

گفتیم که از نتیجه-ی انتخابات کم-ترین سودی عاید مردم ایران نخواهد شد. پیروزی نئوکان-ها تکرار تاریخ تراژیک چهار سال گذشته به شکل تراژدی دیگری خواهد بود و موفقیت لیبرال-ها طنز کمیک اصلاحات سیاسی دوم خرداد را به شیوه-ی طنز تلخ مجددی باز تولید خواهد کرد. در ایران معاصر تاریخ ممکن است دو بار یا حتا چند بار تکرار شود اما نه به صورت متفاوت و حتا متخالف.

به این ترتیب ساده-ترین نتیجه-یی که از این بحث روشن و بدیهی حاصل می-شود، موضع تحریم و عدم شرکت در انتخابات است. اما مساله این است که

چنین گزینه-یی در همین حد - یعنی تحریم - مرز اپوزیسیون چپ، طبقه کارگر و منافع زحمت-کشان را با حدود اپوزیسیون بورژوازی (سلطنت طلبان، اکثریتی-ها، جمهوری-خواهان، لیبرال-های منتقد داخلی و خارجی) در هم می-ریزد و مانع از شکل-گیری صف-بندی-های سیاسی مشخص بر اساس منافع و مبارزه-ی طبقاتی می-شود. پس چه باید کرد؟ (این همان سوال قدیمی مارکسیست-هاست؟)

الف. نکته پیداست که موضع اولیه-ی چپ در انتخابات ایران، به ساده-گی تحریم است. اما نه در این انتخابات و نه در هر انتخابات مشابه دیگری چنین موضعی نباید - و نمی-تواند - به همین حد و مرز محدود بماند.

ب. در این-جا طیف-های مختلف چپ، بر اساس تحلیل-های مشخص، به پیش-نهادهای مختلفی رسیده-اند. برخی از نافرمانی-مدنی سخن گفته-اند و شرایط ایران اختناق زده را با اوضاع دموکراسی-های لیبرالی غربی مخلوط کرده-اند. (مثلاً مقاومت مدنی مردم بلغراد در مقابل میلوسویچ). جماعتی دیگر، تحریمی-ها را به پارک-ها و اظهار شادمانی و رقص فرا خوانده-اند. پنداری قرار است چهارشنبه سوری یا سیزده بدر دیگری تکرار شود. قصد نگارنده نقد این مواضع نیست. می-خواهم بگویم موضع چپ کارگری در قبال انتخابات دهم لزوماً باید منطبق بر منافع طبقه-ی کارگر ایران باشد و به همین سبب نیز گزینه-ی تکمیلی حرکت تحریم می-تواند طرح آلترناتیو سوسیالیستی باشد.

پ. منشور چنین آلترناتیوی چندان پیچیده



بقیه از صفحه ۵

آمارو ارقام سخن میگویند!

لئویارد ۲ که به ترکیه فروش رفته و ۱۴۰ عدد ان به شیلی .

وزارت اقتصاد (آلمان) تاکید میکند که سهم فروش سلاحهای جنگی در این معاملات ۱۱ درصد است که با توجه به شکوفائی معاملات ، فروش در این بخش نسبت به سال ۲۰۰۲ تحلیل رفته است .

هرچند که صادرات سلاحهای سنگین جنگی کاهش یافته ولی سلاحهای گرم دستی ۳۰ درصد افزایش را نشان می دهد . کارخانه های آلمانی در سال ۲۰۰۷ ، ۳۰۰۰۰ عدد مسلسل و سلاحهای سبک به ارزش ۴۸ میلیون یورو که دو سوم این سلاحها به کشورهای غیر عضو ناتو و اتحادیه اروپا صادر شده است .

ماتیاس جون ، از امنستی اینترناسیونال و حقوق بشر میگوید که : " این غیر قابل تائید است " که اسلحه های نظامی و جنگی به عربستان سعودی صادر شود و این به معنای حقوق بشر را بالکل به کنار گذاشتن، میباشد .

مارک فون بومکن از انستیتوی تحقیقاتی بن (ب - ای - سی - سی) از برنامه فروش زبردیرانی به پاکستان انتقاد میکند و میگوید " این معامله باعث مسابقه تسلیحاتی میان هندوستان و پاکستان خواهد شد " . این معاملات به امنیت آلمان نیز کمک نمیکند ؛ به عنوان مثال ، فروش ۱۴۰ عدد تانک به شیلی .

مارکس "شخصیت-های بزرگ" بوده- اند، که تکرارشان به صورت "کمدی مسخره" روی می-دهد. اندک تاملی در حقارت شخصیت کاندیداهای انتخابات دهم موید این حکم است که پیروزی موسوی یا احمدی-نژاد تکرار تراژیک حوادث تلخ و خونبار سال-های ۶۰ تا ۶۸ یا رخ-نمودهای سیاه سال-های ۸۴ تا ۸۸ خواهد بود. گیرم با رنگ و لعابی بزرگ شده. چنین تکراری هر چه قدر هم که "کمدی مسخره" باشد، نه فقط به رویش لبخندی نخواهد انجامید، بل-که تبسم را نیز از لبان مردم جراحی خواهد کرد.*

گاهنامه اتحاد سوسیالیستی کارگری

editorbaroo@yahoo.se

سردبیر: ایرج آذرین

Editor: Iraj Azrin

تماس مستقیم با اتحاد سوسیالیستی کارگری

wsu@home.se

تلفن:

0046-739-397-143

آدرس سایت اتحاد
سوسیالیستی کارگری
www.wsu-iran.org

آدرس سایت کارگر امروز
www.workertoday.com



نیست و راستش از مدتی پیش تهیه و تنظیم شده است.

مفاد این منشور - در حال حاضر - می-تواند در برگیرنده-ی همان مطالباتی باشد که روز اول ماه سال جاری در میدان آب-نمای پارک لاله تهران مطرح شد و با اجماع تشکل-های کارگری داخلی و جریانات و گرایشات اپوزیسیون چپ - اعم از رفرمیست، رادیکال، ماورایی، کارگری و غیره - مورد تایید قرار گرفت و برای نخستین بار به یک هم بسته-گی فوری برای شکل-بندی و گسترش جنبش اجتماعی سوسیالیستی دامن زد.

ت. تاکید بر مطالبات اول مه (۸۸) به عنوان یک آلترناتیو فوری و عاجل سوسیالیسم کارگری نه به مثابه-ی سازش یا مصالحه-ی طبقاتی، بل-که به عنوان یک گام به پیش می-تواند علاوه بر فشارهای لازم به منظور آزادی بدون قید و شرط دستگیر شده-گان این روز، متضمن حرکتی منسجم برای وحدت تشکیلاتی و اتحاد طبقاتی کارگران و زحمت-کشان نیز باشد و در عین حال پرچم و پلاتفرم-های راست (از جمله "انتخابات مطالبات محور") را نیز پایین بکشد.

بعد از تحریر

مارکس "هجدهم برومر لویی بناپارت" را چنین آغاز می-کند: «هگل در جایی می-نویسد که تمام حوادث و شخصیت-های بزرگ تاریخ جهانی به اصطلاح دو بار ظهور می-کنند. ولی او فراموش کرد بیفزاید که بار اول به صورت تراژدی و بار دوم به صورت کمدی مسخره» کاراکترهای فرضی سناریوی هگل و

آمارو ارقام سخن میگویند!

ماتیاس ریتگروت
برگردان: تقی یآوری

مقدمه ی مترجم

کارگران سوسیالیست جهان صلحدوست ترین انسانهای روی این کره خاکی هستند؛ به همین علت نیز با انقلاب سوسیالیستی کارگری، نه فقط درجهت ایجاد صلح و دوستی و شکوفائی تلاش میکنند، بلکه اساسا دولت و طبقات را نیز محومی نمایند.

در مقابل، سرمایه جهانی فقط و فقط مسئله سود و انباشت سرمایه را در دستورکار خود دارد و مهم نیست که از چه طریقی و به چه قیمتی این سود حاصل شود.

یکی از سود اورترین و درعین حال خطرناکترین راهها، تولیدات سلاحهای نظامی میباشد. سرمایه داران کشورهای تولید کننده این سلاحهای نظامی و جنگی، بـتـبـانـی دولتهایشان از طریق نماینده گان خود در مجالس قانونگزاری (لابه ایستها)، خود را بیش از پیش مسلح میکنند.

آمارهای ذیل بطور دقیق نشان میدهند که خود این دولتها چه بودجه عظیمی را در این بخش مصرف کرده و جیب تولید کنندگان را پرتر مینمایند.

تولید کننده گان سلاحهای نظامی از طریق دولتهای خود که دارای روابط به اصطلاح دوستانه با

سایر کشورها به ویژه کشورهای فقیر هستند، قادر میشوند که مجموعه ای از تولیدات خود را چه از رده خارج شده و چه جدید به فروش رسانند؛ و اینکه این کشورها با این سلاحها مردم خود و یا کشورهای دیگر را به زیر یوغ خود می کشند برایشان مطرح نبوده و نیست.

نظرخواننده عزیز را به آمارو ارقام ذیل جلب میکنم؛ توضیح اینکه این ارقام از نشریه هفته گی المانی اشترن(ستاره) شماره ۳ امسال (۲۰۰۹) میباشد. محقق این مقاله ماتیاس ریتگروت میباشد که منبع خود را (اس ای-پ-ا-ای، گلوبال) معرفی میکنند.

ارقام سخن می گویند

جهان مسلح میشود. ۱۰ کشور با بالاترین هزینه تسلیحاتی؛ همه ارقام به میلیارد دلار میباشد:

ایالات متحده امریکا	۵۴۷
بریتانای کبیر	۵۹۷
چین	۵۸۳
فرانسه	۵۳۶
ژاپن	۴۳۶
المان	۳۶۹
روسیه	۳۵۴
عربستان سعودی	۳۳۸
ایتالیا	۳۳۱
هندوستان	۲۴۲

شکوفائی معاملات سلاحهای نظامی دولتها بار دیگر ۱ بیلیون و ۲۰۰۰۰۰ دلار هزینه برای سلاحهای نظامی کردند

سلاحهای ساخت المان خواستار دارند! در شرایطی که تبلیغات دولت ها امید به صلح جهانی را در اذهان تداعی می کند، اماتولید سلاحهای نظامی بیش از پیش در دستور کار است.

در ۱۰ سال گذشته هزینه سلاحهای جنگی ۴۵ درصد افزایش پیدا کرده و اخیرین رقم، بیش از ۸۶۰ میلیارد یورو بوده که بار

دیگر به سطح هزینه های در زمان جنگ سرد رسیده است.

ایالات متحده امریکا به تنهایی در سال ۲۰۰۷ بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار هزینه کرده است.

دولت المان در همین زمان ۳۶ میلیارد و ۹۰۰ هزار دلار هزینه کرده که این هزینه باید در این سال و سال آینده، برای هرسال ۵ درصد افزایش یابد. اما المان از فروش سلاحهای نظامی از طریق ژنرالهای کشورهای مختلف سود نیز میبرد.

از هر ۱۰ یورو (تولید ناخالص ملی در این بخش) برای اسلحه تانک و هواپیماهای ارتشی ۱ یورو به خزانه کارخانه های سازنده افزوده میشود.

ایالات متحده امریکا ۳۱ درصد صادرات بازاری جهانی و روسیه ۲۵ درصد آن را در اختیار دارند و المان با ۱۰ درصد پیش از فرانسه و انگلستان در رده سوم قرار دارد.

بر اساس گزارش وزارت اقتصاد (المان) در اواسط دسامبر ۲۰۰۷، صادرات سلاحهای نظامی در این سال ۸ میلیارد و ۸۰۰ میلیون یورو بوده که ۱۱۳ عدد تانک

دادن به یک جنبش اجتماعی مستقل بر مبنای مبارزه طبقاتی به جای توهم به جناح‌های مختلف طبقه حاکم است.

وحدت کلیه جنبش‌های اجتماعی حول محور جنبش کارگری و تشکیل یک صف انقلابی در مرز بندی با جناح‌های حاکمیت و سرمایه‌داران، تنها راه رهایی از شرایط سرکوب و خفقان می‌باشد.

ما جمعی از فعالان سوسیالیست دانشگاه‌های تهران در راستای چنین هدفی، ضمن اعلام همبستگی با جنبش کارگری و محکوم کردن حمله دامنشانه نیروهای امنیتی به مراسم روز جهانی کارگر در پارک لاله، خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمام دستگیر شدگان اول ماه می به ویژه فعالان برجسته جنبش کارگری، و نیز تمامی فعالان دانشجویی از جمله محمد پورعبدالله دانشجویی چپ دانشگاه تهران که در شرایط بسیار سختی در زندان قزل حصار به سر می‌برد، دانشجویان پلی تکنیک و تمامی دانشجویانی که

در شهرستان‌های مختلف از ماه‌ها قبل از اول ماه مه در زندان به سر می‌برند هستیم.

زنده باد سوسیالیسم!
گسترده‌تر باد پیوند جنبش‌های اجتماعی با جنبش طبقه کارگر!

۳۰/۲/۱۳۸۸

اسلامی، از سوی سرمایه‌داری ایران ورق خورده و حافظان سرمایه بار دیگر تهاجم آشکاری را به ابتدایی‌ترین حق کارگران و زحمتکشان، یعنی برگزاری آزادانه روز جهانی کارگر، آغاز کردند. در شرایطی که از یک سو تحقق پروژه سازش سرمایه‌داری ایران و امپریالیسم امریکا هر روز بیش از پیش نمایان می‌شود و از سوی دیگر بحران اقتصادی جهانی هر روز بیشتر گلوئی سرمایه‌داری داخلی را می‌فشارد، سرکوب جنبش کارگری بیش از گذشته در دستور کار



حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفته و سرمایه‌داری ایران شمشیر سرکوب خود را بر فراز سر کارگران به چرخش در آورده است.

در چنین شرایطی تنها راه مبارزه برای به دست آوردن حقوق بدیهی کارگران، اتکا به نیروی ایشان و تلاش در شکل

بیانیه جمعی از فعالین سوسیالیست دانشگاه های تهران

ویلاگ سوسیالیست

نشریه دانشجویی جمعی از دانشجویان دانشگاه های تهران

در شرایطی که کارگران ایران در زیر بار تعدیات سرمایه کمر خم کرده و به شیوه‌های مختلف قربانی فرایند غیر انسانی انباشت سرمایه می‌شوند و از دست‌مزد شدیداً پایین، معوق ماندن چندین ماهه پرداخت حقوق، نداشتن تشکلهای مستقل کارگری و... رنج می‌برند، دست سرکوبگر رژیم، در مراسم روز جهانی کارگر، در ۱۱ اردیبهشت گلوئی زحمتکشان ایران را فشرده و اکنون که حدود ۳ هفته از این واقعه گذشته است، هنوز تعداد کثیری از بازداشت شدگان، در زندان به سر می‌برند.

پس از سرکوب جنبش زنان در سال ۸۵ و دستگیری‌های گسترده فعالان چپ دانشجویی در ۱۳ آذر ۸۶، با حمله وحشیانه نیروهای سرکوب به فعالین کارگری، برگ آخر سناریوی سرکوب سازمان‌یافته جنبش‌های پیشروی اجتماعی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، این نمایش لوث دموکراسی در جمهوری

**انقلاب در کمر به میدان آمدن
طبقه کارگر است**

اخراج علی نجاتی و احکام

(۸ ماه تعلیقی و ۴ ماه تعزیری) و ۳ سال ممانعت از شرکت در هر گونه انتخابات نمایندگی کارگری صادر شده است. هم چنین در حکم صادره علت این احکام « ایجاد سندیکای خارج از قانون » و پاره ای از اتهامات واهی علام شده است.

کمیته ی دفاع از کارگران هفت تپه ضمن محکوم کردن دستگیری های مربوط به اول ماه می در تهران و دیگر سرکوب های انجام شده در سایر نقاط ایران، اخراج علی نجاتی و احکام صادره برای وی و دیگر اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اعلام می کند به پشتوانه ی حامیان و نهادها و افراد تشکیل دهنده ی این کمیته با تمام توان خود برای دفاع از این کارگران تلاش خواهد نمود.

این کمیته از تمام کارگران ایران و جهان ، تشکل ها و نهاد های کارگری داخل و خارج و نهاد های حقوق بشری می خواهد با تمام توان خویش برای دفاع از این نمایندگان کارگران اقدام نمایند.

کمیته ی دفاع از کارگران هفت تپه

۳۱ اردیبهشت ۸۸

اطلاعیه ی جمعی از کارگران ایرانخودرو در مورد اعتصابات در شرکت ایرانخودرو

استخدام رسمی همه کارگران خواست اصلی ماست

دوستان و همکاران گرامی

اینک اعتصاب آغاز گشته است. چرخهای

تولید از حرکت باز ایستاده است برای

موفقیت و پیروزی متحدانه و یکپارچه به

صف اعتصابیون سالنهای پرس و شاتل

و مونتاژ

دوستان کارگر

همه کارگران در ایرانخودرو باید استخدام رسمی بشوند

قراردادهای موقت باید لغو شوند

کار در سالنهای تولید با ماهیت دائم هیچ

توجیهی ندارد. بعد از این همه مبارزه

برای لغو قراردادهای موقت حالا مدیریت

مجبور شده است کارگران پکیجی را به

قرارداد خود شرکت ایرانخودرو

دریابورد. باید این امتیاز شامل حال همه

کارگران پکیجی شود نه حدود ۲۰۰۰ نفر

، با کمال تاسف مدیریت اعلام کرده است

که کارگران سالن پرس که در پیمانکاری

جی پی آی مشغول بکارند شامل این

بخشنامه نمی شوند برای همین دوستان

کارگر در سالنهای پرس دست به

اعتصاب زده اند آنها روز سه شنبه جلو

دفتر نجم الدین جمع شده و دست از کار کشیده اند. کارگران پرس در شمالی ترین گوشه شرکت همچون کارگران سالن شاتل و سالن مونتاژ تنها راه رسیدن به خواسته هایشان اعتصاب را انتخاب کرده اند

ما ضمن پشتیبانی از خواست بر حق این کارگران از همه دوستان کارگر می خواهیم که دوستان اعتصابی را تنها نگذارند و اگر لازم باشد همه باهم چرخهای تولید را متوقف خواهیم کرد اجازه ندهیم ما کارگران را از همه دیگر جدا کنند

دوستان کارگر

قراردادی شدن کارگران پکیجی یک گام به جلو است ولی کافی نیست خواست ما استخدام رسمی همه کارگران قرارداد موقت در خود شرکت است .

زنده باد مبارزات بر حق کارگران ایرانخودرو

آگاهی، مبارزه و اتحاد تنها رمز پیروزی است

کارگر متحد همه چیز

کارگر متفرق هیچ چیز

جمعی از کارگران ایرانخودرو

۲۳ اردیبهشت ۸۸

<http://khodrokar.blogfa.com>

پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری به نیروی خود کارگران!

Be Pish!

42

NO :

WEEKLY PAPER OF WORKERS
SOCIALIST UNITY-IRAN
WWW.WSU-IRAN.ORG

News - Political

may, 2009

اخراج علی نجاتی و احکام صادره برای کارگران هفت تپه

علی نجاتی رئیس هیئت مدیره ی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از ۱۸ اسفند تا ۲۵ فروردین ۸۸ در بازداشت و تحت بازجویی اطلاعات قرار گرفت. وی پس از آن که با فرار کفالت آزاد شد نامه ی اخراج از طرف شرکت نیشکر هفت تپه دریافت نمود که در آن نامه اعلام شده است ایشان از تاریخ ۸ فروردین ۸۸ از کار خود اخراج شده است. با وجود این که دادگاه انقلاب شهرستان شوش نامه ای صادر کرده است که نشان می دهد علی نجاتی در این مدت در بازداشت دستگاه قضایی-امنیتی بوده است و طبق قوانین موجود، در این صورت عدم حضور وی در محل کار غیبت محسوب نمی شود، مدیران نیشکر به بهانه ی غیبت وی را از کار اخراج کرده اند.

مچنین طی حکمی که از دادگاه به وکیل ۵ نفر از اعضای هیئت مدیره تسلیم شده است، برای آقایان علی نجاتی، جلیل احمدی، فریدون نیکوفرد و قربان علیپور یک سال زندان (۶ ماه تعزیری و ۶ ماه تعلیقی) و ۵ سال ممانعت از شرکت در هر گونه انتخابات کارگری و برای آقای محمد حیدری مهر ۱ سال زندان بقیه در صفحه ۷

زندانیان، بیش از پیش خود را در کنار آنان قرار دهیم. این خانواده ها هر روزه در برابر دادگاه انقلاب واقع در خیابان شریعتی، ابتدای خیابان معلم جمع شده و خواهان آزادی عزیزان خود هستند.
ب : از کارگران، نهادها و تشکل های کارگری و حقوق بشری می خواهیم که مصرا برای آزادی دستگیرشدگان تلاش نمایند.

کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر ۸۸

- سندیکای شرکت واحد تهران و حومه
- سندیکای نیشکر هفت تپه
- اتحادیه آزاد کارگران ایران
- هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان
- شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری :
- کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری
- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
- جمعی از فعالین کارگری
- شورای زنان
- کانون مدافعان حقوق کارگر

منبع سایت دانشجویان سوسیالیست
دانشگاههای ایران

۲ خرداد ۱۳۸۸

فراخوان کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در حمایت از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر

کارگران، مردم آزادی
خواه ایران و جهان!

آنچنان که در اطلاعیه های پیشین کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه سال ۸۸ توضیح داده شده است، پس از فراخوان تشکل های مستقل جنبش کارگری ایران، در روز جمعه ۱۱ اردیبهشت، در محل مراسم در پارک لاله تهران پس از سرکوب مراسم بیش از ۱۵۰ نفر دستگیر شدند. تعدادی از آنان آزاد شده اند اما کمکان در حدود ۴۰ تن از آنان در زندان به سر می برند. به علاوه تعدادی از کارگران عضو تعاونی فلزکار مکانیک در همین روز در محل تعاونی خود دستگیر شدند.

طی فراخوان این کمیته و اعلام کمپین برای آزادی این دستگیر شدگان، صدها حمایت از طریق نهادها و تشکل های کارگری و حقوق بشری و انسان های آزادی خواه از سراسر جهان اعلام گردید. ما ضمن تاکید بر این حمایت ها، از تمامی افراد و نهادها می خواهیم که: الف : ضمن حمایت از خانواده های